

The Impact of Social Networks on Civil Participation (Case study: Ardabil Citizens)

Ali Jafari *

Assistant Professor, Department of Social
Studies, Educational Research and Planning
Organization, Tehran, Iran

Abstract

The present study aimed to investigate the effect of social networks on Civic participation among citizens of Ardabil. The population is all citizens over 18 years living in the city of Ardabil, who according to the General Census of Population and Housing 1390, are about 115,000 people. The sample size was determined 384 samples using the Cochran formula. Sampling was done by using multi-stage clusters. A questionnaire made by the researcher was used for data collection. The results show that social networks (Telegram, Instagram, Facebook, YouTube) influence the civic participation of citizens in Ardabil. Instagram had the most and Facebook the least impact on the participation of citizens in Ardabil province. The greatest impact of these networks was on the membership of groups and associations and the lowest impact was on the creation of good relations and messaging for participation in municipal decisions.


Keywords: Social Networks, Participation, Citizens.

* Corresponding Author: alijafari.researcher@gmail.com

How to Cite: Jafari, A. (2021). The Impact of Social Networks on Civil Participation (Case study: Ardabil Citizens), *Journal of New Media Studies*, 7(27), 241-265.

تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت مدنی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اردبیل)

استادیار گروه مطالعات اجتماعی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ایران.

علی جعفری * 

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت مدنی در میان شهروندان اردبیلی انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر اردبیل می‌باشند که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد آن‌ها ۱۱۵۰۰۰ نفر برآورد شده است. با استفاده از فرمول کوکران تعداد حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید و نمونه‌گیری نیز با استفاده از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد بررسی (تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و یوتیوب) بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است. اینستاگرام بیشترین و فیس‌بوک کمترین تأثیر را بر مشارکت شهروندان اردبیلی داشته است. بیشترین تأثیر این شبکه‌ها بر عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و کمترین تأثیر آن‌ها بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری بوده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی، مشارکت، شهروندان.

مقدمه

مشارکت به‌ویژه مشارکت مدنی مفهوم گسترده‌ای است که تحقق عینی آن مستلزم انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی است. فعالیت‌هایی که بر تصمیم‌گیری و راهبردهای دستگاه‌های اجرایی از سطوح پایین (شهرداری، نظام آموزشی و ...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی و قانون‌گذاری اجرایی و قضایی تأثیر می‌گذارند (ادریسی و شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). مشارکت مدنی که در معنای وسیع دربردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که تقریباً تمامی راهبردهای مربوط به توسعه، از مشارکت به‌عنوان عنصر کلیدی یاد می‌کنند (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۳۲). با طرح مقوله توسعه در دهه ۱۹۶۰ واژه مشارکت مفهوم کاربردی وسیعی به خود گرفت. با نگاهی سریع به مفاهیم رشد اقتصاد، توسعه، توسعه اقتصادی - اجتماعی و به‌ویژه توسعه پایدار ملاحظه می‌شود که مشارکت مفهوم اساسی‌تری به خود گرفته، به‌نوعی که در توسعه پایدار مشارکت را هدف و وسیله توسعه می‌شمارند. این مفهوم از مشارکت، همه ابعاد فعالیت و رفتار انسانی را شامل می‌شود (سرور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۹). تجربه اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای درحال توسعه در طی چند دهه اخیر نشان داده‌اند که به دلیل نادیده گرفتن مشارکت واقعی مردم نتوانسته‌اند در عمل به اهداف موردنظر دست یابند. پیامد این عدم موفقیت، توجه اندیشمندان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی به موضوع مشارکت در معنای عام و مشارکت مدنی در معنای خاص بوده است.

از زمان شکل‌گیری محیط اجتماعی و پیدایش و تشکیل حکومت‌ها، حاکمان و برنامه‌ریزان جامعه برای حفظ ثبات نظام سیاسی درصدد همسو و هماهنگ کردن افراد جامعه با اهداف و آرمان‌های خویش بوده‌اند و از هر وسیله ممکن برای این کار بهره می‌جسته‌اند. به تدریج خردمندان و سیاستمداران حکومت‌ها به این نتیجه رسیدند که بیشتر

از وسایل جایگزین استفاده کنند تا اینکه بتوانند جامعه را کم‌هزینه‌تر، پرسودتر و اثربخش‌تر اداره کنند (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰).

از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام، جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا است که باصرفه‌ترین و پایدارترین روش است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، مشارکت سیاسی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه مدنی است. به‌طور کلی، مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده با ابعاد متعدد است که ارتباط میان جوامع مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌کند. همچنین رفتار انتخاباتی نشان‌دهنده الگوی خاصی از مشارکت سیاسی است که بر مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایستارها، هنجارها و آداب و رسوم یک جامعه در رابطه با پدیده‌های سیاسی مبتنی است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۴).

شبکه‌های اجتماعی از مهم‌ترین وسایل موجود برای انتقال مفاهیم و مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند و همه نظام‌های سیاسی در تلاش هستند آن را در اختیار گرفته و بر آن نظارت کامل داشته باشند و با آن دیدگاه‌ها و نظرات خود را به مردم منتقل کنند. درحالی‌که به تأثیر شبکه‌ها بر روابط سیاسی بسیار توجه شده است، پژوهش‌های تجربی بسیار ناچیزی برای حمایت از تأثیرات آن‌ها به‌ویژه درباره مشارکت سیاسی وجود دارد و اینکه چگونه ممکن است بر آگاهی سیاسی، بحث‌های سیاسی و انگیزه رأی دادن شهروندان اثر بگذارند (دهقان، ۱۳۸۴: ۲).

در نیم‌قرن گذشته، جامعه ایران شاهد تغییراتی شگرف و سریع بوده است. مردم آن درس خوانده‌تر، آگاه‌تر و از نظر فنی و علمی متخصص‌تر و کارآمدتر بوده و گرایش آن‌ها به مشارکت مدنی و دخالت در سرنوشت خویش بیشتر است، اما مشارکت به‌ویژه مشارکت مدنی در ایران چه در پرتو تحقیقات انجام‌شده و چه در آینه آمار رسمی، تصویر مناسبی را به بیننده عرضه نمی‌کند (سروش و افراسیابی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

در کشور ما با وجود اهمیت زیاد مسئله، پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مشارکت سیاسی، کمتر تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت مدنی بررسی شده است. لذا نیاز به

واکاوی دقیق این حوزه ما را بر آن داشت تا این موضوع را بررسی کنیم که آیا استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است؟

مبانی نظری تحقیق

رویکردهای سه‌گانه درباره تأثیر فناوری نوین اطلاعات بر مشارکت

بر اساس مطالعات انجام‌شده، می‌توان گفت سه رویکرد مهم نظری در خصوص تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی بر مشارکت در بین نظریه‌پردازان وجود دارد که آن‌ها را به رویکرد خوش‌بینانه، بدبینانه و توأم با تردید تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱. رویکرد خوش‌بینانه: طرفداران و طراحان این رویکرد بر این باورند که اینترنت افراد را بیش از گذشته در زندگی اجتماعی درگیر ساخته، شبکه‌های اجتماعی را تسهیل کرده، به دموکراسی مبتنی بر گفتگو و مشارکت کمک قابل توجهی نموده و برای افراد در حاشیه مانده یا اقلیت‌های مدنی، در حوزه عمومی مجازی، فرصت‌های فزاینده مشارکت مدنی فراهم آورده است. افرادی مانند بنجامین باربر^۱، رینگولد^۲، گراس من^۳ و بیکر^۴ در عصر اینترنت از واژه‌های نظیر دموکراسی قوی^۵ و دموکراسی از راه دور یاد می‌کنند که بر درگیرشدگی مدنی بر خط و غیر برخط شهروندان و تعامل و تماس‌های مستقیم و نزدیک شهروندان با حکومت دلالت دارد و به نظر آن‌ها اینترنت به تغییر و تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و مناسبات شهروندان با یکدیگر و با حکومت و ایجاد و گسترش الگوهای نوین مشارکت مجازی انجامیده است. (Gibson, 2010: 217)

۲. رویکرد بدبینانه: به نظر طرفداران این رویکرد، اینترنت به جای ایجاد الگوهای نوین مشارکت و تحولات بنیادین در این زمینه، تنها موجب تقویت روابط موجود و الگوهای مشارکت مدنی سنتی شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی تنها به درگیرشدگی مدنی افراد فعال و علاقه‌مند انجامیده است نه همه شهروندان. فناوری‌های نوین ارتباطی به سمت

1. Benjamin Barber
2. Rheingold
3. Grossman
4. strong democracy
5. tele democracy

تقویت شکاف رقمی^۱ بین صاحبان اطلاعات و فقیران اطلاعات پیش رفته و تقویت شکاف‌های دموکراتیک بین حاشیه مانده‌های حقوق مدنی شهروندان یا غیرفعالان با فعالان اجتماعی را موجب شده است و این افراد از شبکه‌های اینترنتی بیشترین استفاده را به عمل آورده‌اند.

۳- رویکرد توأم با تردید: بر اساس این دیدگاه، درگیرشدگی مدنی با وجود قابلیت‌های مدنی فراوان، درگیرشدگی مدنی را نه از بین می‌برد و نه تسهیل می‌کنند. آن‌ها تنها بازتاب‌دهنده فعالیت‌های اجتماعی عنوان امری معمول هستند و تأثیر قابل توجهی بر درگیرشدگی مدنی ندارند (Park hun, 2012; Norris, 2010)

در هر سه رویکرد حقایقی نهفته است که موجب می‌شود نتوانیم آن‌ها را به طور کامل بپذیریم و یا به تمامی رد کنیم. باید این نکته را که درگیرشدگی مدنی فرصت‌هایی برای اقلیت‌های مشارکت‌های مدنی فراهم آورده است و تغییراتی در حوزه عمومی مجازی ایجاد کرده است و یا قابلیت تأثیرگذار بیشتر در آینده و در درگیرشدگی مدنی گسترده شهروندان را دارد، پذیرفت.

از سوی دیگر، اگر چه اعتقاد به درگیرشدگی مدنی و مسئله شکاف رقمی را می‌توان تأیید کرد، بدینی و بی‌اعتقادی به حضور افراد در حاشیه مانده در حوزه درگیرشدگی مدنی و مشارکت و نفی تحول بنیادین در روابط شهروندی با یکدیگر و با حکومت در کشورهای دموکراتیک پیشرفته قابل پذیرش نیست و باید تحول نسبی و اولیه (و نه کامل) در روابط یادشده و گسترش آن در آینده را پذیرفت. البته تأثیر درگیرشدگی مدنی و منابع اطلاع‌رسانی اجتماعی بر تقویت الگوهای کلاسیک مشارکت مدنی تا حد قابل توجهی درست است.

درباره رویکرد تردیدکنندگان نیز باید گفت، این رویکرد در مورد کشورهای دموکراتیک پیشرفته درست نیست، زیرا تأثیرات نسبی اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان را نادیده می‌گیرد، اما آن را باید در مورد کشورهای توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته تا حد زیادی پذیرفت.

1. digital divide

نظریه حوزه عمومی هابرماس: حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به‌منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق گفتگو تحقق می‌یابد. (Lazar, 2010: 234)

در فضای محیط‌های تعاملی اینترنت بحث «شرایط آرمانی سخن» مورد نظر هابرماس تحقق می‌یابد. خام نوریس^۱ نیز معتقد است که با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی، نوعی حوزه عمومی جدید مانند شبکه‌ای تار عنکبوتی شکل گرفته است که در نقاط اتصال این شبکه احزاب، گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و فعالان اجتماعی حضور دارند که در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. ارتباطات فردی مجازی با این بازیگران می‌تواند مشوق فعالیت و مشارکت مدنی شود (Norris, 2010: 109).

فرضیه‌های تحقیق

استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.
شبکه اجتماعی تلگرام بر درگیرشدگی مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.
شبکه اجتماعی اینستاگرام بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.
شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.
شبکه اجتماعی یوتیوب بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.

مطالعات پیشین

شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران که با روش پیمایشی و در میان دانشجویان دانشگاه مازندران انجام گرفت، به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای کاملاً مثبت بین شبکه‌بندی اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد و بعد ساختی شبکه‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر رفتار انتخاباتی دانشجویان داشته‌اند.

1. Norris

عبداللهی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات (رابطه استفاده از فیس‌بوک، تلگرام و اینستاگرام و مشارکت سیاسی دانشجویان در انتخابات هفتم اسفند ۱۳۹۴) به این نتیجه دست یافتند که بین میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی منتخب تحقیق با مشارکت سیاسی، میان میزان اعتماد به رسانه‌های اجتماعی مورد بررسی و مشارکت سیاسی و میزان اثربخشی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

محمود اوغلی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر کنشگری سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان با روش پیمایشی پرداخته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین شبکه‌های اجتماعی و کنش سیاسی در نمونه مورد بررسی ارتباط معناداری وجود دارد.

اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران) پرداخته‌اند که طبق نتایج به دست آمده مشخص شد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که شبکه‌های افقی بیشترین تأثیر و کیفیت شبکه‌های اجتماعی کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دانشجویان داشته‌اند.

سردارنیا (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان به این نتیجه می‌رسد که اینترنت با قابلیت‌هایی همچون وب سایت‌ها، وبلاگ‌ها، سایت‌های خبری، انتخاباتی و دپارتمان‌های حکومتی و ... از یک سو به افزایش آگاهی مدنی و اشاعه نگرش‌های مدنی و دموکراتیک در کاربران می‌انجامد و از سوی دیگر موجب بسیج و مشارکت مدنی کاربران می‌شود و افراد و گروه‌های در حاشیه مانده مدنی را در فعالیت‌های مدنی و اعتراضی درگیر می‌سازد اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی جوانان

و بزرگسالان تحصیل کرده‌تر در دو نوع یادشده (برخط و غیر برخط) تا حد به نسبت خوبی (نه قوی و زیاد) تأثیرگذار بوده است

کوینتر و ویسر (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان سیاست در گروه همسالان: بررسی رابطه بین تنوع شبکه و مشارکت سیاسی در میان جوانان بلژیک به این نتیجه رسیدند که در اختیار داشتن شبکه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی، مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد و این امر باعث تماس‌های سیاسی گوناگون با دیگران می‌شود.

یافته‌های پژوهش گیسون و مک آلیستر (۲۰۱۳) با عنوان پیوندهای اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی نشان داده که تعاملات اجتماعی آنلاین و مجازی به شکلی مؤثر موجب بسیج شهروندان برای مشارکت سیاسی در جهان واقعی می‌شود.

اسکوریک و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها در پژوهش خود این مسئله را بررسی کرده‌اند که آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند راه را برای احیای مشارکت سیاسی هموار کنند. نتایج نشان داد شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

مطالعه نوریس^۱ و کورتیس^۲ (۲۰۰۷) در مورد ۴۲۶۸ رأی‌دهنده بالای ۱۸ سال بریتانیایی نشان می‌دهد که فناوری نوین بیشتر منبعی مهم برای فعالان و مدیران حزبی در فرایند انتخابات سال ۲۰۰۹ بوده است و برای رأی‌دهندگان، این منبع اهمیت چندانی نداشته، هرچند برای جوانان زیر ۳۰ سال مهم‌تر از افراد مسن بوده است. در این مطالعه تلویزیون و روزنامه‌ها به مراتب منبع مهم‌تری از اینترنت به شمار رفته‌اند.

کارت^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه خود درباره اینترنت و مشارکت شهروندان بیان می‌دارد که آن دسته از شهروندان ایالات متحده که در منزل به اینترنت دسترسی دارند (۵۵ درصد شهروندان)، ۱۲ درصد بیشتر از بقیه رأی می‌دهند. هرچه میزان اعتماد افراد به سایت

1. Norris
2. Curtice
3. Carter

موردنظر بیشتر باشد، احتمال رأی دادن و شرکت در نظرخواهی کاربر اینترنتی بیشتر خواهد بود.

با توجه به بررسی انجام شده این نتیجه قابل استنباط است که در تحقیق‌های پیشین مشارکت به صورت جامع مدنظر محققین قرار نگرفته است به طوری که در تحقیقات شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶)، عبداللہی نژاد و همکاران (۱۳۹۵)، اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴)، محمود اوغلی (۱۳۹۴)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۲)، کوینتر و همکاران (۲۰۱۱)، گیسون و مک آلیستر (۲۰۱۳)، اسکوریک و همکاران (۲۰۰۹) نیز فقط به مشارکت‌های سیاسی توجه شده است؛ بنابراین از این لحاظ که در تحقیق‌های پیشین به مشارکت مدنی به طور جامع نگاه نشده است این تحقیق متفاوت بوده است. در تحقیق سردارنیا (۱۳۸۸) برای بررسی درگیرشدگی مدنی شهروندان، اینترنت موردبررسی قرار گرفته است ولی در این تحقیق شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و یوتیوب) مدنظر قرار گرفته شده است. همچنین این تحقیق از این لحاظ که به بررسی مشارکت مدنی می‌پردازد بسیار نزدیک و شبیه به تحقیقات خارجی بیان شده است زیرا که در تمام تحقیقات بیان شده به جز تحقیق نوریس و کورتیس که تنها به رأی‌گیری جوانان پرداخته است، محققین درگیرشدگی مدنی شهروندان و جوانان را مدنظر دارند. تفاوت این تحقیق با تحقیقات خارجی می‌تواند در این باشد که در تحقیقات خارجی اینترنت به طور کلی مدنظر محققین بوده و به شبکه‌های اجتماعی به صورت اختصاصی اشاره نشده است که این می‌تواند تفاوت این تحقیق با تحقیقات خارجی مطرح شده باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر اردبیل می‌باشند که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعدادشان ۱۱۵۰۰۰ نفر برآورد شده است. با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری و زیاد بودن جمعیت آن، برای انجام پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات و در

نظر گرفتن خطاهای احتمالی، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. عدد فوق بر اساس فرمول کوکران^۱ صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری این پژوهش به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. به این صورت از بین ۴ منطقه شهر اردبیل ۲ منطقه انتخاب و از هر منطقه ۴ محله انتخاب شدند. سپس از بین این محلات مناطق کلیدی مانند مساجد، پارک‌ها شناسایی و تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه‌های آماری انتخاب شدند. در این پژوهش برای بررسی اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شد به این صورت که پرسشنامه مورد تأیید تعدادی از متخصصان علوم ارتباطات و رسانه قرار گرفت. برای پایایی پرسشنامه مقدماتی، ۳۰ نسخه آن بین ۳۰ نفر از افراد توزیع شده و پس از آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ضریب پایایی آن ۰,۹۳ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی و قوی بین سؤالات است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی خدمات آنلاینی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می‌توانند ارتباطشان با دیگران را حفظ کرده و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (بوید و الیسون، ۲۰۰۷). در این تحقیق منظور از شبکه‌های اجتماعی، تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و یوتیوب می‌باشد. در پژوهش حاضر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر اساس میزان استفاده کاربران از شبکه‌های تلگرام و اینستاگرام، فیس‌بوک و یوتیوب مورد سنجش قرار گرفت.

مشارکت مدنی: مشارکت مدنی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا نامستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم هستند (علی پور و همکاران، ۱۳۸۸):

1. Cochran testing

۱۲۲). برای سنجش عملیاتی مفهوم مشارکت مدنی، ابتدا از پاسخگویان خواسته شد که عضویت خود را در هر یک از گروه‌ها و انجمن‌ها مشخص کنند که آیا عضو هستند یا نه؟ سپس در صورت عضویت میزان مشارکت خود را مشخص کنند. گویه‌های به کار گرفته شده برای سنجش این مفهوم شامل عضو بودن و مشارکت داشتن در گروه‌های صنفی، گروه‌های علمی، گروه‌های هنری، گروه‌های ورزشی، مراسم و هیئت‌های مذهبی، کارهای خیر و عام‌المنفعه، مراسم و جشن‌های ملی و فعالیت‌های زیست‌محیطی بودند که شاخص این مفهوم با ترکیب این گویه‌ها در سطح فاصله‌ای ایجاد شد.

یافته‌ها

۶۶ درصد گروه را مردان و ۳۴ درصد گروه را زنان تشکیل می‌دهند؛ بنابراین بیشترین حجم نمونه شامل مردان می‌باشند. افراد رده سنی ۴۰-۴۹ ساله ۵۳/۴ درصد گروه نمونه و بیشترین تکرار را در بین گروه دارا هستند و افراد زیر ۳۰ سال با ۲/۶ درصد کمترین فراوانی را نشان می‌دهند.

بیشترین فراوانی مربوط به گروه فوق‌دیپلم با ۵۳,۹ درصد و کمترین درصد فراوانی مربوط به افراد دارای مدرک دکتری با ۰,۵ درصد می‌باشد. افراد مجرد ۶۷,۵ درصد و متأهلین ۳۲,۵ درصد حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. ۸۲,۲ درصد از حجم نمونه عضو شبکه‌های اجتماعی هستند. بیشترین استفاده کاربران از تلگرام در روز بین ۲ تا ۳ ساعت (۲۹,۳ درصد) و کمترین استفاده در روز کمتر از یک ساعت است. بیشترین استفاده کاربران از اینستاگرام در روز بیشتر از ۳ ساعت (۳۰,۱ درصد) و کمترین استفاده در روز کمتر از یک ساعت می‌باشد. در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک بیشترین درصد مربوط به افرادی است که اصلاً به گذراندن وقت در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک مشغول نمی‌باشند (۶۰,۵ درصد). همچنین کمترین درصد مربوط به افرادی است که در روز بین ۲ الی ۳ ساعت به گذراندن وقت در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک مشغول می‌باشند. در شبکه‌های اجتماعی یوتیوب بیشترین درصد مربوط به افرادی است که اصلاً به گذراندن وقت در شبکه‌های اجتماعی یوتیوب مشغول نمی‌باشند (۷۲,۵ درصد). همچنین کمترین

درصد مربوط به افرادی است که در روز کمتر از یک ساعت به گذراندن وقت در شبکه‌های اجتماعی یوتیوب مشغول می‌باشند. اینستاگرام بیشترین و فیس‌بوک کمترین تأثیر را در مشارکت مدنی شهروندان اردبیلی داشته است.

آزمون نرمال بودن متغیرها (کولموگروف - اسمیرنوف)^۱:

با توجه به نتیجه آزمون هر متغیری که سطح معنی‌داری آن از ۵ درصد بیشتر باشد فرض نرمال بودن آن پذیرفته می‌شود، ولی اگر کمتر از ۵ درصد باشد فرض صفر یعنی ادعای نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته نمی‌شود. نتایج آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف در جدول زیر نشان داده شده است. سطح معناداری بالای ۰/۰۵ در احتمال آماره در متغیرها نشان‌دهنده نرمال بودن متغیرها و استفاده از آزمون پارامتریک برای آزمون فرض است.

جدول ۱. آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های موردبررسی

| متغیرها | آماره‌ها تعداد | میانگین | انحراف معیار | آماره K-S | احتمال آماره K-S |
|----------------------|----------------|---------|--------------|-----------|------------------|
| شبکه‌های اجتماعی ۳۸۴ | ۱۱۵,۴۱ | ۶,۹۰ | ۱,۸۵ | ۰,۹۲۵ | |
| تلگرام ۳۸۴ | ۳۴,۸۶ | ۴,۲۶ | ۳,۴۲ | ۰,۷۱۵ | |
| اینستاگرام ۳۸۴ | ۳۷,۰۸ | ۳,۷۶ | ۲,۷۶ | ۰,۶۲۳ | |
| فیس‌بوک ۳۸۴ | ۲۰,۹۷ | ۲,۳۳ | ۱,۹۹ | ۰,۵۱۲ | |
| یوتیوب ۳۸۴ | ۲۲,۴۹ | ۳,۲۶ | ۲,۵۶ | ۰,۴۱۲ | |

نتایج جدول فوق آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد و همان‌طور که مشاهده می‌شود فرض نرمال بودن توزیع نمرات برای همه متغیرهای پژوهش برقرار می‌باشد و می‌توان برای آزمون فرضیات مطرح‌شده از روش‌های آماری پارامتریک (رگرسیون چند متغیره و T تک متغیره) استفاده کرد.

1. Kolmogorow – Smirnow test

فرضیه اول: استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.

جدول ۲. آزمون t تک متغیره برای تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت مدنی شهروندان

| Sig | درجه آزادی | T | میانگین | |
|-------|------------|--------|---------|--|
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۱۳,۰۰ | ۱۳,۱۸ | شرکت در انتخابات |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۹۷,۰۵ | ۱۰,۵۷ | تبلیغ و آگاه‌سازی در مورد مکان‌های برگزاری‌های همایش‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۴۲,۳۷ | ۱۲,۳۴ | شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۹۴,۰۹ | ۱۱,۳۶ | ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۲۴,۶۲ | ۱۴,۷۳ | ایجاد انگیزه برای شرکت در بحث‌های سیاسی |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۹۱,۵۶ | ۱۵,۵۴ | عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۲۷,۹۶ | ۱۱,۶۵ | ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۱۰,۷۴ | ۱۳,۵۸ | ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۶۳,۶۴ | ۱۲,۴۲ | آگاهی از حقوق شهروندی و تحریک افراد به دخالت در آن |

بر اساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به سطح معناداری ($P < 0/01$) و مثبت بودن مقدار t می‌توان نتیجه گرفت که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با مشارکت مدنی در میان شهروندان اردبیلی تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین تأثیر این شبکه‌ها بر عضویت در

گروه‌ها و انجمن‌ها (۱۱۵,۵۴ =) و کمترین تأثیر آن‌ها بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری (۱۹۴,۰۹ =) بوده است.

فرضیه فرعی اول: شبکه اجتماعی تلگرام بر درگیرشدگی مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.

جدول ۳. آزمون t تک متغیره برای تأثیر تلگرام بر مشارکت مدنی شهروندان

| Sig | درجه آزادی | T | میانگین | |
|-------|------------|--------|---------|--|
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۶۵,۸۱ | ۳,۹۴ | شرکت در انتخابات |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۹,۳۰ | ۲,۷۶ | تبلیغ و آگاه‌سازی در مورد مکان‌های برگزاری‌های همایش‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۷۸,۸۵ | ۳,۷۱ | شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۳,۵۴ | ۳,۰۶ | ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۸۱,۶۰ | ۴,۱۴ | ایجاد انگیزه برای شرکت در بحث‌های سیاسی ۲ |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۹۴,۹۲ | ۴,۵۷ | عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۶۸,۹۹ | ۳,۶۸ | ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۱۱,۹۵ | ۴,۶۹ | ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۰۳,۵۱ | ۳,۹۷ | آگاهی از حقوق شهروندی و تحریک افراد به دخالت در آن |

بر اساس اطلاعات جدول فوق با توجه به سطح معناداری ($P < 0/01$) و مثبت بودن مقدار t می‌توان نتیجه گرفت که بین استفاده از تلگرام با مشارکت مدنی در میان شهروندان اردبیلی تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین تأثیر تلگرام بر ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه (۱۱۱,۹۵ =) و کمترین تأثیر تلگرام بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری (۴۳,۵۴ =) بوده است.

فرضیه فرعی دوم: شبکه اجتماعی اینستاگرام بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.

جدول ۴. آزمون t تک متغیره برای تأثیر شبکه اجتماعی اینستاگرام بر مشارکت مدنی شهروندان

| Sig | درجه آزادی | T | میانگین | |
|-------|------------|--------|---------|--|
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۵۵,۲۰ | ۳,۷۲ | شرکت در انتخابات |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۵۹,۴۳ | ۳,۹۲ | تبلیغ و آگاه‌سازی در مورد مکان‌های برگزاری‌های همایش‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۱۰۷,۱۲ | ۴,۷۱ | شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۷۲,۰۴ | ۳,۹۴ | ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۷۰,۶۲ | ۷,۰۷ | ایجاد انگیزه برای شرکت در بحث‌های سیاسی |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۷۲,۱۱ | ۴,۰۵ | عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۸۵,۳۱ | ۴,۰۱ | ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۹۰,۲۷ | ۴,۲۹ | ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۸۱,۱۷ | ۴,۳۳ | آگاهی از حقوق شهروندی و تحریک افراد به دخالت در آن |

بر اساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به سطح معناداری ($P < 0/01$) و مثبت بودن مقدار t می‌توان نتیجه گرفت که بین استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام با مشارکت مدنی در میان شهروندان اردبیلی تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین تأثیر شبکه اجتماعی اینستاگرام بر شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها ($t = 107,12$) و کمترین تأثیر شبکه اجتماعی اینستاگرام بر شرکت در انتخابات ($t = 55,20$) بوده است.

فرضیه فرعی سوم: شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.

جدول ۵. آزمون t تک متغیره برای تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر مشارکت مدنی شهروندان

| Sig | درجه آزادی | T | میانگین | |
|-------|------------|-------|---------|--|
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۱,۸۴ | ۲,۷۴ | شرکت در انتخابات |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۷,۷۱ | ۱,۶۴ | تبلیغ و آگاه‌سازی در مورد مکان‌های برگزاری‌های همایش‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۴,۸۹ | ۱,۳۰ | شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۵,۸۰ | ۲,۰۸ | ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۵,۹۱ | ۳,۴۶ | ایجاد انگیزه برای شرکت در بحث‌های سیاسی |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۶۳,۴۳ | ۳,۵۵ | عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۲۸,۹۶ | ۱,۷۱ | ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۰,۹۲ | ۲,۴۷ | ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۳,۱۰ | ۱,۹۹ | آگاهی از حقوق شهروندی و تحریک افراد به دخالت در آن |

بر اساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به سطح معناداری ($P < 0/01$) و مثبت بودن مقدار t می‌توان نتیجه گرفت که بین استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک با مشارکت مدنی در میان شهروندان اردبیلی تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین تأثیر شبکه اجتماعی فیس-بوک بر شرکت در عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها ($t = 63,43$) و کمترین تأثیر این شبکه بر ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر ($t = 28,96$) بوده است.

فرضیه فرعی چهارم: شبکه اجتماعی یوتیوب بر مشارکت مدنی شهروندان شهر اردبیل تأثیر گذار است.

جدول ۶. آزمون t تک متغیره برای تأثیر شبکه اجتماعی یوتیوب بر مشارکت مدنی شهروندان

| Sig | درجه آزادی | T | میانگین | |
|-------|------------|-------|---------|---|
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۹,۱۴ | ۲,۷۷ | شرکت در انتخابات |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۸,۱۸ | ۲,۲۳ | تبلیغ و آگاه‌سازی در مورد مکان‌های برگزاری‌های همایش‌ها |

| Sig | درجه آزادی | T | میانگین | |
|-------|------------|-------|---------|--|
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۳,۶۱ | ۲,۳۱ | شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۰,۱۹ | ۲,۲۷ | ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۳,۶۵ | ۳,۰۴ | ایجاد انگیزه برای شرکت در بحث‌های سیاسی |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۹,۵۵ | ۳,۳۶ | عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۳۴,۸۹ | ۲,۲۲ | ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۳,۶۱ | ۲,۱۳ | ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه |
| ۰,۰۰۰ | ۳۸۱ | ۴۴,۹۱ | ۲,۱۲ | آگاهی از حقوق شهروندی و تحریک افراد به دخالت در آن |

بر اساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به سطح معناداری ($P < 0/01$) و مثبت بودن مقدار t می‌توان نتیجه گرفت که بین استفاده از شبکه اجتماعی یوتیوب با مشارکت مدنی در میان شهروندان اردبیلی تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین تأثیر شبکه اجتماعی یوتیوب بر شرکت در انتخابات ($t = 149,14$) و کمترین تأثیر آن بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری ($t = 130,19$) بوده است.

آزمون رتبه‌بندی فریدمن

جدول ۷. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن

| رتبه | متغیر |
|------|------------|
| ۳,۲۵ | تلگرام |
| ۳,۷۱ | اینستاگرام |
| ۱,۴۳ | فیس‌بوک |
| ۱,۶۰ | یوتیوب |

بر اساس نتایج آزمون فریدمن سطح معناداری از پنج صدم کمتر و تفاوت بین شبکه‌ها معنادار است. جدول فوق نشان می‌دهد که اینستاگرام بیشترین و فیس‌بوک کمترین تأثیر را بر مشارکت مدنی شهروندان اردبیلی داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است. بیشترین تأثیر این شبکه‌ها بر عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و کمترین تأثیر آن‌ها بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری بوده است؛ بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. این نتایج با یافته‌های شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶)، عبداللهی نژاد و همکاران (۱۳۹۵)، اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴)، محمود اوغلی (۱۳۹۴)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۲)، کوینتر و ویسر (۲۰۰۸)، گیسون و مک آلیستر (۲۰۱۳) و اسکوریچک و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت داشته است.

در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه بیان داشت که با توجه به ویژگی‌های خاص شبکه‌های اجتماعی از جمله کم‌هزینه بودن، در دسترس بودن و استفاده راحت توانسته است در تمام رخدادهای جامعه نقش بسزایی داشته باشد و یکی از این نقش‌ها مشارکت مدنی شهروندان است؛ که نتایج این تحقیق تأییدکننده این نقش است. مسلماً یکی از راه‌هایی که به مشارکت مدنی شهروندان هر شهری کمک بسزایی کرده است گروه‌ها و انجمن‌هایی است که در سطح شهر ایجاد می‌شود تا افراد مشتاق و با انگیزه در آن شرکت کنند زیرا این انجمن‌ها و گروه‌ها می‌توانند راحت‌تر نظرات مردم را به مسئولین برسانند. شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه تریبونی برای احزاب و گروه‌های مدنی معترض و در اقلیت، به مشارکت مدنی آن‌ها کمک می‌کند. گروه‌های معترض و در حاشیه مانده از طریق همین شبکه‌ها می‌توانند فساد مدنی و اقتصادی، تبعیض‌ها، سرکوب‌های مدنی، ناکارآمدی‌های حکومت و غیره را آشکار سازند و با برجسته‌سازی این موارد، حکومت و عملکردهای حکومت را به‌طور جدی به چالش فراخوانند. نتایج نیز نشان داد شبکه‌های اجتماعی با توجه به اینکه امروزه تقریباً بیش از نیمی از مردم جامعه عضو آن می‌باشند و به‌صورت همگانی در دسترس عموم می‌باشد نقش بسزایی در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌ها دارد و این یافته، نظریه نوریس درباره تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی را تأیید می‌نماید. همچنین این شبکه‌ها با

توجه به آزادی که در آن وجود دارد افراد جامعه را بیشتر با حقوق خود آشنا و در نتیجه انگیزه آنان را برای مشارکت مدنی بیشتر کرده است.

همچنین نتایج نشان داد که تلگرام بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است که بیشترین تأثیر آن بر ترویج اعتماد و همکاری متقابل اعضای جامعه و کمترین این شبکه بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری بوده است؛ اما با توجه به نتایج تحقیق این مشارکت نمی‌تواند کاملاً مثبت یا منفی باشد. شبکه اجتماعی تلگرام با فراهم کردن فرصت‌ها می‌تواند به رشد و بهبود گفتگوهای عقلانی و انتقادی و آگاه‌سازی بیشتر کمک کند و از این رهگذر موجب گسترش دموکراسی و مشارکت مدنی شود، زیرا بدون گفتگوی منطقی انتقادی، اعتراض و چالشی ایجاد نمی‌شود و مشارکت شهروندان، چندان ضرورت نمی‌یابد.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که شبکه اجتماعی اینستاگرام بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است که بیشترین تأثیر آن بر شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها و کمترین تأثیر این شبکه بر شرکت در انتخابات بوده است. اینستاگرام در پیوند فعالان مدنی و سازماندهی حرکت‌ها نقش قابل توجهی ایفا کرده است. اینستاگرام در بسیج اعتراض‌ها، در موضوعات یادشده در اشکال فراملی آن همچون بیان دیدگاه‌ها و نظرخواهی در مورد دیگر وسیله‌ای گزیرناپذیر است که می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در کل نتایج این تحقیق بیانگر جنبه مثبت تأثیر اینستاگرام بر درگیرشدگی مدنی شهروندان است. هرچند نتایج این تحقیق نشان داد که اینستاگرام تأثیر کمتری بر انتخابات دارد ولی با نزدیک بودن دوره انتخابات پخش ویدئوهای زنده در اینستاگرام نقش نامزدهای ریاست جمهوری و شوراها را بیشتر می‌کند و مردم می‌توانند در فضای مجازی شناختشان را از کاندیداها بیشتر کنند.

نتایج همچنین نشان داد که شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است. بیشترین تأثیر این شبکه بر شرکت در عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و کمترین تأثیر آن بر ایجاد پیوند اجتماعی بین مردم و مسئولین برای شکوفایی بهتر شهر بوده است؛ بنابراین این فرضیه نیز تأیید می‌گردد. با توجه به نقش فیس‌بوک در ایجاد گروه‌ها و گفتن

نظرات، این شبکه می‌تواند در مشارکت مدنی شهروندان نقش بسزایی داشته باشد که نتایج این تحقیق نیز گویای این مطلب است و نظریه حوزه عمومی هابرماس و همچنین نظریات نوریس را تأیید می‌نماید.

نتایج دیگر نشان داد که شبکه اجتماعی یوتیوب بر درگیرشدگی مدنی تأثیرگذار است و بیشترین تأثیر شبکه یوتیوب بر شرکت در انتخابات و کمترین تأثیر آن بر ایجاد روابط مناسب و پیام‌نگاری برای مشارکت در تصمیمات شهری بوده است. در جهان مدرن، موضوعات مدنی موضوع گفتگوی عمومی و دموکراتیک و کنش جمعی است و فرهنگ دموکراتیک بدون بحث و گفتگوی دموکراتیک در حوزه عمومی نمی‌تواند وجود داشته باشد در این راستا به نظر می‌رسد وب سایت‌هایی فعال همچون یوتیوب با فراهم کردن فرصت‌های گفتگوی و تعامل دو سویه و اظهارنظر در تریبون‌های برخط، نظرخواهی در وب سایت‌ها و وبلاگ‌ها و دیگر موارد در گسترش مشارکت مدنی نقش داشته است.

از میان شبکه‌های موردبررسی اینستاگرام بیشترین تأثیر را در مشارکت مدنی دارد. همچنین فیس‌بوک کمترین تأثیر را بر مشارکت مدنی داشته است که می‌توان دلیل آن را فیلتر بودن این شبکه گزارش کرد. از آنجاکه امروزه مردم بیشتر با شبکه‌های موبایلی سروکار دارند بنابراین شبکه‌های وب سایتی مانند فیس‌بوک کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد. همچنین عضویت در این وب‌سایت نیز به‌سادگی شبکه‌های مجازی دیگر نیست و تقریباً تنها گروه تحصیل‌کرده می‌توانند در این وب‌سایت عضو شوند، درحالی‌که شبکه‌های مجازی دیگر محدودیت تحصیلاتی ندارد و عموم می‌توانند در آن عضو شوند و این نیز یکی دیگر از مواردی است که تأثیر این وب‌سایت را در مشارکت مدنی شهروندان کمتر کرده است.

با توجه به یافته‌های تحقیق و در ارتباط با رویکردهای سه‌گانه درباره تأثیر فناوری نوین اطلاعات بر مشارکت به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت که در هر سه رویکرد حقایق نهفته است که موجب می‌شود نتوانیم آن‌ها را به‌طور کامل بپذیریم و یا

به تمامی رد کنیم. باید این نکته را که شبکه‌های اجتماعی مجازی فرصت‌هایی برای اقلیت‌های سیاسی فراهم آورده و تغییراتی در حوزه عمومی مجازی ایجاد کرده است و یا قابلیت تأثیرگذاری بیشتر در آینده و مشارکت مدنی گسترده شهروندان را دارد، پذیرفت. از سوی دیگر، اگرچه اعتقاد به مشارکت مدنی فعالان سیاسی و مسئله شکاف رقمی را می‌توان تأیید کرد، بدینی و بی‌اعتقادی به حضور افراد در حاشیه مانده در حوزه سیاست و مشارکت و نفی تحول بنیادین در روابط شهروندی با یکدیگر و با حکومت در کشورهای دموکراتیک پیشرفته قابل‌پذیرش نیست و باید تحول نسبی در روابط یادشده و گسترش آن در آینده را پذیرفت. البته تأثیر اینترنت و منابع اطلاع‌رسانی سیاسی مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تقویت الگوی کلاسیک مشارکت سیاسی و مدنی تا حد قابل‌توجهی درست است و یافته‌های تحقیق حاضر این تأثیر را تأیید می‌نماید. همچنین نتایج تحقیق، نظریه حوزه عمومی هابرماس و همچنین نظریات نوریس را تأیید می‌نماید.

پیشنهادها

- با توجه به نقش مثبت شبکه‌های اجتماعی در مشارکت مدنی شهروندان پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها و نهادهای مربوطه از این فناوری برای اطلاع‌رسانی‌های خود جهت مشارکت بهتر شهروندان در انتخابات، انجمن‌ها و... استفاده کنند.
- پیشنهاد می‌شود با توجه به جای‌گیری شبکه اجتماعی تلگرام گروه‌ها و انجمن‌های سطح شهر از این شبکه اجتماعی که مخاطب بیشتری نسبت به شبکه‌های دیگر دارد استفاده کنند تا نقش مؤثری در مشارکت مدنی شهروندان در شهر داشته باشند.
- پیشنهاد می‌شود از شبکه اجتماعی اینستاگرام با توجه به نقش تصویر بهتر آن مسئولین در انتخابات برای مشارکت بیشتر و مؤثر و موفق‌تر مردم از این شبکه اجتماعی سود ببرند.

- پیشنهاد می‌شود از شبکه اجتماعی فیس‌بوک با توجه به جهانی بودن آن و اینکه عضو این شبکه بیشتر مخاطبین قشر تحصیل کرده است مسئولین برای ترغیب کردن این قشر در مشارکتهای مدنی بهره ببرد.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به این که افراد سیاسی بیشترین مطالب خود را در شبکه اجتماعی یوتیوب قرار می‌دهند، مسئولین نیز برای تبلیغات خود از این شبکه استفاده کنند تا مشارکت مدنی مردم افزایش یابد.

منابع

- ابراهیمی، شهروز؛ نجفی، داود؛ محمود اوغلی، رضا و نقدعلی، زهرا. (۱۳۹۲). رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، *فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۶، صص ۲۸۴-۲۶۳*.
- ادریسی، افسانه و شجاعی، مرجان. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط و مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرح‌های توسعه شهری (نمونه موردی پیاده راه‌سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲)، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۱۵-۱۵۸*.
- اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهر تهران)، *فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۸۴۱-۸۲۵*.
- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ محمود اوغلی، رضا و عیسی نژاد، امید. (۱۳۸۹). رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، *پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ششم؛ شماره ۱، صص ۳۴-۷*.
- دهقان، علیرضا. (۱۳۸۴). قماربازی اینترنتی، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال اول، شماره ۲ و ۳، صص ۷۲-۴۵*.
- ساروخانی، باقر و امیرپناهی، محمد. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی، *فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳، صص ۶۰-۳۱*.
- سردارنیا، خلیل الله. (۱۳۸۸). تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۱، پیاپی ۵۷، صص ۲۱۱-۱۹۳*.
- سرور، رحیم؛ موسوی، میرنجف و دانیالی، تهمینه. (۱۳۹۰). رابطه مشارکت محلی و توسعه روستایی در شهرستان میاندوآب، *فصلنامه روستا و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۱۷*.
- سروش، مریم و افراسیابی، حسین. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز، *دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۵، صص ۱۵۵-۱۲۳*

شهرام نیا، امیر مسعود؛ ابراهیمی پور، حوا؛ محمود اوغلی، رضا و ملکان، رضا. (۱۳۹۶). سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هشتم، شماره پیاپی ۶۵، دوره اول، صص ۱۹-۳۲.

عبداللهی نژاد، علیرضا؛ قاسمی نژاد، ابوذر و صادقی، جواد. (۱۳۹۵). رابطه استفاده از فیس‌بوک و اینستاگرام و مشارکت سیاسی دانشجویان در انتخابات هفتم اسفند ۱۳۹۴، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال دوم، شماره ۵، صص ۷۳-۳۳.

علی پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دوم، صص ۱۰۹-۱۳۵.

لازار، ژودیت. (۱۳۹۰). *افکار عمومی*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.

محمود اوغلی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر کنشگری سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۱۴۵-۱۶۸.

- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). "Social network sites: definition, history, and scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1): 210-230.
- Carter, Lemuria D. (2006). *Political Participation in a Digital age. Ph.D. Dissertation in General Business*, Virginia: faculty of virgina.
- Gibson, R., Lusoli, W., & Ward, S. (2010). Online participation in the UK: Testing a "contextualized" model of Internet effects, *Policy Studies Association*, 7(4), 561-583.
- Norris, Pippa. (2010). *Digital Divide*. Cambridge: Cambridge university press
- Park Hun, M. (2012). *How Does Information & Communication Technology Affect Civic Engagement?* Ph.D. Dissertation in Mass Communication, Indiana University.
- Quintelier, Ellen & Vissers, Sara. (2008). The Effect of Internet Use on Political Participation An Analysis of Survey Results for 16-Year-Olds in Belgium, *Social Science Computer Review Online First*.
- Vissers, Sara. (2010). (et.al). *The Potential of Political Mobilization*. Retrieved from: www.kuleuven.be/citizenship/bruges/visser.

